

بررسی وضعیت اقتصادی- اجتماعی عشایر شهرستان شیروان و آرایه راهکارهای مناسب جهت ساماندهی به زندگی آنان

خلاصه

وضعیت اقتصادی و اجتماعی عشایر در دهه‌های اخیر و روند رو به افزایش مهاجرت‌ها و اسکانهای بدون برنامه، عامل بسیاری از ناهنجاریهای اقتصادی- اجتماعی در جامعه عشایر بوده است (امیراحمدی، ۱۳۷۲). از طرفی ناکارآمد بودن نحوه معیشت فعلی عشایر، ضرورت آرایه راهبرد عملی و الگوی ساماندهی مناسب با تکیه بر مطالعات اقتصادی- اجتماعی را بیش از پیش آشکار می‌سازد. همچنین ساماندهی عشایر باعث می‌شود که منابع طبیعی، هر چه بیشتر حفاظت شود و از تخریب آنها جلوگیری به عمل آید (سازمان جنگلها و مراتع کشور، ۱۳۷۹). به علاوه شکلهای دیگری از دامپروری وجود دارد که قادرند جایگزین شکلهای سنتی آن شوند و دارای توجیهای اقتصادی به مراتب بالاتری هستند. براساس مطالعات انجام یافته در این تحقیق مشخص می‌شود که جامعه عشایر به ویژه عشایر شهرستان شیروان به دلیل رویارویی با مشکلات اقتصادی و اجتماعی در شیوهی فعلی دامداری و کوچ در مسافت طولانی آمادگی پذیرش طرحهای ساماندهی را دارند (هراتی، ۱۳۸۰). از طرفی ایجاد و توسعه دامپروریهای صنعتی و نیمه صنعتی در سطح منطقه نیاز عشایر را به کوچ در مسافتهای طولانی منتفی می‌سازد. مکانهای مناسبی در منطقه جهت ساماندهی به زندگی عشایر و ایجاد مجتمعهای زیستی و دامپروری وجود دارد.

مقدمه

تاکنون کوششهایی گسترده در بخشهای مختلف تولیدی، اجتماعی در خصوص تهیه طرحهای جامع و تفصیلی انجام گرفته است.

علی‌رغم نتایج نسبتاً مطلوب، نکته قابل توجه در اکثر موارد عدم دستیابی به «چارچوب»، «معیار» و موارد مشخص چنین فعالیتهایی است که بتواند به عنوان «اصول» و «مدل» قابل اعتماد مورد استفاده دست‌اندرکاران اجرایی قرار گیرد. شاید شیوه و روح حاکم بر فرآیند مطالعه، نگرش صرفاً اجرایی و فیزیکی به مسأله و عدم توجه به مفاهیم و کیفیتهای نظری و یا جایگاه مجریان علل چنین ضعف و عدم دستیابی به اصول پایدار نسبی باشد. در خصوص طرحهای «مجموعهای زیستی» تا به حال صدها طرح جامع شهری، طرحهای هادی شهری و هادی روستایی را مهندسان مشاور حقیقی و حقوقی تهیه و اجرا کرده‌اند؛ ولی علی‌رغم سابقه ۴۰ ساله چنین فعالیتهایی، تاکنون برای شهرهای کوچک، متوسط و بزرگ به تفکیک، استانداردها و سرانه‌های قابل قبول و مشخص که شرایط منطقه‌ای را دارا باشد تهیه نشده است. حتی درخصوص طرحهای بهسازی روستایی نیز چنین معیارهایی به ندرت یافت می‌شود. برآوردها عمدتاً برحسب و گمان و برداشتهای سطحی مبتنی است. حتی بسیاری از این طرحها (طرح جامع) به دلیل عدم انعطاف، کلی‌گویی و عدم انطباق با شرایط محیطی، محلی، توسط تهیه‌کنندگان و مجریان مورد انتقاد قرار گرفته و در جستجوی راهکارهایی دیگر می‌باشند. سطحی‌نگری در تحقیقات باعث بی‌اعتمادی مسوولان و مردم شده و جایگاه تحقیق را که زیربنای توسعه است خدشه‌دار کرده است.

با توجه به حرکت عظیمی که درخصوص سامان‌دهی دست کم ۱/۵ میلیون نفر عشایر در ایران شروع شده و نتیجه اجرای چنین سیاستی امکان احداث صدها مجتمع زیستی عشایری است. ضرورت تهیه و تدوین اصول نسبتاً ثابتی برای احداث چنین مجتمعهایی که در واقع «مبانی نظری» آن را تشکیل می‌دهد می‌تواند به بهتر انجام یافتن فعالیتهای مطالعاتی و اجرایی آینده کمک شایان کند و از زیانهای مادی جلوگیری نماید، و بدین‌وسیله از تکرار «آزمون-خطا» های مطالعاتی آینده که بیشتر جنبه فیزیکی دارند، جلوگیری نماید و زمینه نگرش سیستمی، هماهنگ و یکپارچه فعالیتهای آنها را فراهم آورد (نبوی، ۱۳۷۲).

بررسی وضعیت اقتصادی عشایر منطقه

پیشینه موضوع

اصولاً جمعیت به سه گروه شهرنشین، روستانشین و متحرک (اعم از عشایر و سایر دامداران) تقسیم می‌شوند (پاپلی‌یزدی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۰). از آغاز انقلاب صنعتی (۱۷۵۰ میلادی) فناوری به تدریج کلیه ابعاد زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع را زیر تأثیر قرار داده است. با توسعه

تولیدات کارخانه‌ای به تدریج جابه‌جایی مراکز تولید و شیوه زندگی پدید آمد و شهرنشینی بر روستانشینی و کوچ‌نشینی در کشورهای پیشرفته غلبه یافت (مشیری، ۱۳۷۲). این تحولات کشورهای جهان سوم را نیز با تأخیر زمانی صد ساله به تدریج زیر تأثیر قرار داد. ایران نیز از موج این تحولات به دور نماند و از حدود سالهای ۱۳۰۰ ه.ش، ماشین وارد عرصه زندگی اجتماعی و اقتصادی شد و دگرگونیها آغاز گردید. جمعیت کشور در حدود سالهای ۱۳۰۰ حدود ۹۷۰۷۰۰۰ نفر برآورد شده که حدود ۲۸٪ ساکن شهرها و ۷۲٪ روستایی و عشایری بوده‌اند (صفی‌نژاد، ۱۳۷۳، ص ۴۸).

درصد جمعیت متحرک عشایری در این دوره (۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰) حدود ۳ میلیون نفر ذکر شده که حدود ۳۰/۹٪ جمعیت کشور بوده است (مردوخ، ۱۳۳۵). پس از روی کار آمدن رضاخان (۱۲۹۹ ه.ش) فعالیت‌های گسترده‌ای برای اسکان اجباری عشایر (تخته قاپو) در بین سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ه.ش انجام گرفت. ولی به دلیل اتخاذ شیوه آمرانه (اجباری) و غیر واقع بینانه و نیز عدم توجه به خواسته‌ها و نیازهای عشایر و عدم تأمین امکانات و تسهیلات برای معیشت آنها، تمام تلاشها پس از سقوط حکومت رضاشاه بی‌حاصل ماند و دوباره بخش عمده‌ای از عشایر شیوه کوچ‌نشینی را برگزیدند. پس از روی کار آمدن حکومت محمدرضا پهلوی (۱۳۲۰ ه.ش) زندگی اجتماعی و اقتصادی دچار تغییرات عمده‌ای شد.

علاوه بر رشد جمعیت شهرنشین، نقاط شهری نیز رو به فزونی گذاشت؛ به طوری که در حدود سالهای ۱۳۵۵ جمعیت کل کشور به ۳۳۷۰۹۰۰۰ نفر افزایش یافت و نسبت جمعیت شهرنشین به ۴۷٪ و روستایی و عشایر به ۵۳٪ تغییر کرد. این روند همچنان به نفع جمعیت شهرنشین و زیان جمعیت روستانشین و عشایر کوچنده ادامه یافت. به طوری که در سال ۱۳۶۴ کل جمعیت کشور ۴۵۸۳۵۰۰۰ نفر برآورد شده که از این تعداد ۵۰/۸٪ (۲۳۴۷۷۰۰۰ نفر) شهرنشین و ۴۶/۹٪ (۲۱۵۲۵۰۰۰ نفر) روستانشین و ۲/۳٪ (۱۸۲۳۰۰۰ نفر) متحرک بوده‌اند (صفی‌نژاد، ۱۳۶۷، ص ۴۷).

بنابراین بررسی روند تغییرات جمعیت عشایر بیان‌گر کاهش درصد جمعیت عشایر و اسکان تدریجی و بدون برنامه آنها است. در مقطعی مسأله حفظ عشایر و تداوم کوچ و نقش آنها در تولید ناخالص ملی مطرح بوده و تلاشها در جهت تقویت کوچ عشایر با ارایه خدماتی از جمله احداث و مرمت راه‌های عشایری و ساخت تأسیسات بهداشتی (حمام ضد گنه) و حتی مسکن در قشلاق انجام گرفته است. ولی از سال ۱۳۶۸ به تدریج سیاست سامان‌دهی و اسکان عشایر در دستور کار مسوولان اجرایی قرار گرفت و به عنوان هدفی کلی تعیین گردید. در جهت دستیابی به این هدف به ویژه

از سال ۱۳۶۹ تلاشهای گسترده در قالب طرحهای مطالعات جامع مناطق عشایری در سطح استانهای عشایری آغاز شد. نتیجه حاصل از این طرح به شناسایی دهها سایت و مکان جهت استقرار عشایر منجر شده است که شاید در اکثر موارد عملیات اجرایی این مکانها با موفقیت همراه نبوده است. علل متعددی را می توان برای این موضوع برشمرد از جمله عدم استفاده از نظرات جامعه عشایری و خودداری عشایر از مشارکت در این طرحها و...

با توجه به این که شهرستان شیروان در استان خراسان حدود ۴۸٪ جمعیت عشایری در شمال خراسان را دارا می باشد و با توجه به روند رو به رشد مهاجرت به شهرها و حاشیه نشین شدن آنها و همچنین رو آوردن آنان به اسکان خودجوش و بدون برنامه که مشکلات اجتماعی- اقتصادی را درآینده به همراه دارد بنابراین در اولویت طرح ساماندهی قرار دارد (شاهین فر، ۱۳۶۹).

بررسی هزینه و نگهداری دام داشتی در منطقه

در مطالعات انجام شده ۸۷ خانوار عشایر منطقه با مجموع ۱۵۳۰۵ رأس دام داشتی مورد بررسی قرار گرفته اند که خلاصه نتایج به شرح ذیل عنوان می گردد.

الف- درآمد عشایر منطقه شامل موارد ذیل بوده است

۱- فروش بره های مازاد هر خانوار: عشایر منطقه با توجه به شرایط اقتصادی خانوار، وضعیت مراتع، شرایط آب و هوا، وضعیت بازار، امکانات نگهداری اعم از مکان و نیروی انسانی در اختیار خانوار، در یکی از دو مقطع زمانی سه ماهگی و یا هفت ماهگی معمولاً اقدام به فروش دام مازاد می نمایند (اداره کل عشایری خراسان، ۱۳۷۵). بدیهی است کسانی که بره های مازاد خود را در سن سه ماهگی به فروش می رسانند فاقد امکانات لازم هستند و برعکس افرادی که وضعیت بهتری دارند حداکثر زمان ممکن که براساس عرف منطقه هفت ماهگی است دام مازاد خود را نگهداری و در وزن بالاتری به فروش می رسانند.

از مجموع خانوارهای بررسی شده تعداد ۳۲۸۷ رأس در سن سه ماهگی به قرار هر رأس ۲۵۰۰۰۰ ریال به فروش رسیده اند.

$$۱) ۳۲۸۷ \times ۲۵۰۰۰۰ = ۸۲۱۷۵۰۰۰۰ \quad \text{ریال درآمد از فروش بره های سه ماهه}$$

از مجموع خانوارهای مورد بررسی تعداد ۵۵۹ رأس بره مازاد در سن ۷ ماهگی به فروش رفته اند به قرار هر رأس ۴۵۰۰۰۰ ریال

$$۲) ۵۵۹ \times ۴۵۰۰۰۰ = ۲۵۱۵۵۰۰۰۰ \quad \text{ریال درآمد از فروش بره های ۷ ماهه}$$

۲- فروش میشهای وازد: عشایر منطقه معمولاً میشهایی را که بیش از ۵ یا ۶ شکم زائیده‌اند همزمان با بره‌های مازاد در غالب دام مازاد به فروش می‌رسانند که در زمان بررسی، قیمت هر رأس آن ۳۰۰۰۰۰ ریال بوده است. خانوارهای مورد بررسی جمعاً ۴۵۹ رأس میش مازاد فروخته‌اند.

ریال درآمد مازاد حاصل از فروش میش مازاد $۱۳۷۷۰۰۰۰ = ۴۵۹ \times ۳۰۰۰۰۰$ (۳)

۳- فروش پشم ناشسته: سالانه دونوبت پشم‌چینی در منطقه انجام می‌شود که به طور متوسط تولید سالانه‌ی هر رأس ۱/۵ کیلوگرم است (سرشماری عشایری، ۱۳۶۶).

ریال درآمد حاصل از فروش پشم تولیدی $۱۰۳۳۰۸۷۵۰ = ۱۵۳۰۳ \times ۱/۵ \times ۴۵۰۰$ (۴)

۴- سایر تولیدات: فرآورده‌های شیری شامل ماست، کشک و غیره که بخش عمده آن توسط خانوار مصرف می‌شود و مازاد آن در منطقه به فروش می‌رسد. درآمد حاصله در منطقه براساس اظهار نظر افراد خبره محلی برای هر رأس ۱۵۰۰۰ ریال برآورد شده است.

ریال درآمد از محل فرآورده‌های شیری جنبی $۲۲۹۵۷۵۰۰ = ۱۵۳۰۵ \times ۱۵۰۰۰$ (۵)

۵- فروش روغن یا کره: براساس اظهار نظر افراد خبره محلی سالانه از شیر هر رأس میش ۶۰۰ گرم روغن تولید می‌شود.

درآمد حاصل از فروش روغن $۳۲۴۰۵۰۰۰ = ۳۵۰۰۰ \times ریال \times \frac{۶۰۰}{۱۰۰۰} \times ۱۵۳۰۵$

محاسبه درآمد ناخالص یک رأس گوسفند در یکسال

برای برآورد درآمد تولیدات مواد شیری به لحاظ خودمصرفی خانوار عشایر و این که کل تعداد دام نمی‌توانند تولید مشابه داشته باشند، از نظر خبرگان محلی استفاده گردیده است.

۱- فروش بره‌ی مازاد در مقطع سنی سه‌ماهه	۸۲۱۷۵۰۰۰۰ ریال
۲- فروش مازاد در مقطع سنی ۷ ماهه	۲۵۱۵۵۰۰۰۰ ریال
۳- فروش میش وازد (مازاد)	۱۳۷۷۰۰۰۰۰ ریال
۴- فروش پشم ناشسته	۱۰۳۳۰۸۷۵۰ ریال
۵- فرآورده‌های شیری جنبی	۲۲۹۵۷۵۰۰۰ ریال
۶- فروش روغن محلی	۳۲۱۴۰۵۰۰۰ ریال

جمع کل درآمد ناخالص ۱۶۹۰۵۱۹۷۵۰ ریال

درآمد ناخالص هر رأس گوسفند در منطقه $۱۲۱۸۷۴ = ۱۵۳۰۵ : ۱۶۹۰۵۱۹۷۵۰$ ریال

ب - هزینه‌های انجام شده

جهت ۱۵۳۰۵ رأس گوسفند داشتی متعلق به ۷۸ خانوار عشایری نمونه‌گیری شده در منطقه در طی یک سال:

۱- هزینه تغذیه دام داشتی: تغذیه و تعلیف دام بیشترین رقم هزینه را به خود اختصاص می‌دهد شرایط منطقه و ویژگیهای عشایر منطقه به لحاظ تمایل به اسکان و بروز کانونهای اسکان خودجوش در مناطق مساعد منطقه موجب گردیده است روند ییلاق و قشلاق در منطقه در طول سال چرخه ذیل را به خود بگیرد (سازمان جهاد کشاورزی خراسان، ۱۳۸۱):

الف) از فروردین‌ماه لغایت اردیبهشت ماه استفاده از علف مزارع و مراتع (میان‌بند)

ب) از خردادماه لغایت مرداد ماه استفاده از مراتع (ییلاق)

ج) از شهریورماه لغایت آبان استفاده از ته چر مزارع کشاورزی اطراف (میان‌بند)

د) از آذرماه لغایت اسفندماه استفاده از علوفه دستی و مراتع منطقه استقرار(قشلاق)

ملاحظه می‌شود که به علل تراکم دام در مراتع منطقه و استفاده‌های بی‌رویه و گرایش عشایر به اسکان و تجمع در منطقه لزوم استفاده از علوفه مزارع که با پرداخت اجاره بها انجام می‌گیرد و استفاده از علوفه دستی و جیره‌های پرورشی ساده در منطقه، گرایش به امر پرواربندی و خرید و فروش دام در منطقه تقویت می‌شود.

عشایر منطقه در تعلیف دام خود در طول سال ضمن بهره‌برداری از مراتع اطراف منطقه استقرار از مواد غذایی جو، کاه گندم یا جو، تفاله خشک و کنسانتره استفاده می‌نمایند. لذا در برآورد هزینه با اطلاعات محلی اخذ شده از عشایر به شرح جدول ذیل محاسبه گردیده است.

جدول ۱ جیره غذایی کمکی دام در منطقه عشایری (مورد مصرف برای یک رأس گوسفند داشتی در روز)

ماده غذایی	متوسط مصرف روزانه (Kg)	بهای واحد (ریال)	هزینه تمام شده (ریال)
جو	۰/۵	۸۰۰	۴۰۰
کاه گندم یا جو	۰/۵	۵۰۰	۲۵۰
تفاله خشک	۰/۳	۸۰۰	۲۴۰
کنسانتره	۰/۲	۷۰۰	۱۴۰
جمع	۱/۵	-	۱۰۳۰

استفاده از جیره یاد شده در منطقه معمول و به طور متوسط در طول سال به ویژه در فصل زمستان به مدت ۶۰ روز موردنیاز و مصرف دام داشتی عشایر منطقه است.

$$60 \times 1030 = 61800$$

ریال هزینه تغذیه یک رأس دام در منطقه

علاوه بر هزینه یاد شده تغذیه و نگهداری هر رأس دام در منطقه در طول سال هزینه‌های تغذیه‌ای ذیل را نیز در بر دارد:

خرید علف چر در فصل بهار به مدت ۲/۵ ماه برای هر رأس ۲۰۰۰ ریال و خرید ته چر مزارع به ازای هر رأس مبلغ ۱۵۰۰ ریال از شهریور لغایت آبان ماه هر سال

$$61800 + 2000 + 1500 = 65300 \text{ ریال}$$

جمع هزینه تغذیه و نگهداری یک رأس دام در منطقه
 ۲- هزینه نیروی انسانی، شامل حقوق پرداختی به چوپان که معمولاً به ازای هر ۵۰۰ رأس یک نفر مورد نیاز است و محاسبه نیروی انسانی خود خانوار که طبق برآوردهای انجام شده در منطقه به ازای هر رأس گوسفند داشتنی در سال ۶۰۰۰ ریال هزینه می‌شود.

۳- هزینه تعمیر و نگهداری جایگاه دام، که به ازای هر ۲۰۰ رأس دام یک واحد جایگاهی که با در نظر داشتن عمر مفید ۸ سال هزینه تعمیر و نگهداری و تأمین آن به ازای هر رأس گوسفند در سال ۵۰۰ ریال برآورد هزینه شده است.

۴- هزینه حمل و نقل: محاسبات انجام شده در این بخش نشان می‌دهد مبلغ ۱۵۰۰ ریال به ازای هر رأس گوسفند هزینه حمل و نقل ااثیه و مواد تغذیه‌ای پرداخت می‌شود.

۵- هزینه پشم چینی با استفاده از کارگر ماهر براساس دوبار پشم‌چینی در سال هزینه هر رأس گوسفند در سال ۱۵۰۰ ریال برآورد شده است.

۶- هزینه دارو و درمان و هزینه‌های جنبی و متفرقه: براساس اطلاعات محلی به ازای هر رأس ۲۰۰۰ ریال برآورد شده است.

جدول ۲ هزینه یک رأس دام در طول سال

ردیف	شرح هزینه	مبلغ به ریال
۱	هزینه تغذیه	۶۵۳۰۰
۲	هزینه چوپان	۶۰۰۰
۳	هزینه تعمیر و نگهداری جایگاه دام	۵۰۰
۴	هزینه حمل و نقل ااثیه و مواد غذایی	۱۵۰۰
۵	هزینه دارو و درمان و هزینه‌های متفرقه	۲۰۰۰
۶	هزینه پشم چینی	۲۰۰۰
	جمع	۷۷۳۰۰

$$121874 - 77300 = 44574 \text{ ریال}$$

درآمد خالص یک رأس دام

بررسی هزینه و درآمد خانوار عشایر منطقه

به طوری که ملاحظه می‌گردد درآمد خالص یک رأس دام در منطقه در شرایط فعلی بسیار پایین است. به علاوه این که فرصت کاری خانوار عشایر که تقریباً با توجه به نوع کار طاقت‌فرسا و قابل ملاحظه است و از هر خانوار عشایری حداقل یک نفر مرد و یک نفر زن که عهده‌دار رسیدگی به دام‌ها هستند محاسبه نشده، فرصت و سرمایه خانوار نیز قابل بررسی است.

با توجه به موارد فوق الذکر درآمد فعلی دام در منطقه نسبتاً پایین و هزینه‌های نگهداری دام بالاست لذا می‌توان نتیجه‌گیری نمود که در حال حاضر اشتغال به پرورش دام در منطقه تنها برای خانوارهایی که از امکانات لازم برخوردار هستند اقتصادی است. لذا لازم است که برای تعداد بسیاری از عشایر منطقه که فاقد امکانات لازم هستند چاره‌جویی شود تا ضمن بهبود وضعیت زندگی عشایر از تراکم دام در مراتع کاسته و از تخریب بیشتر آن جلوگیری شود.

اصول مکان‌یابی در مجتمع‌های زیستی - دامپروری جهت عشایر

در تهیه مکان مناسب جهت سامان‌دهی عشایر، مشکلاتی در شمال خراسان وجود دارد. با توجه به وضعیت توپوگرافی، فضای باز قابل کشاورزی به صورت آبی فقط در دشتهای وجود دارد و در داخل کوه‌ها و دره‌ها به روستاهای کوچکی برمی‌خوریم که به دلیل کمبود زمین و مشکلات تردد در فصل زمستان نتوانسته‌اند چندان جاذب جمعیت باشند. به علاوه چنانچه به دشت شیروان نگاه کنیم می‌بینیم در تمامی دشت، جایی که زمین بایر وجود داشته باشد بسیار کم است و از دیدگاه سامان‌دهی کمتر مکان مناسبی در آن می‌توان یافت. در اسکان باید تمایل عشایر، نظرات آگاهان امور عشایری و امکانات موجود در هر سایت مورد مطالعه قرار گیرد و آن‌گاه بهترین نقاط مشخص شود و بر روی جمعیتی که در آن نقطه بایستی اسکان یابند مطالعه لازم صورت گیرد.

مهم‌ترین مناطقی را که عشایر پیشنهاد نموده بودند به ترتیب اولویت عبارتند از: دهستان تکمران، تپه خانلق، بیگان، دوین، تنگه منگولی، اطراف چلو، قلعه چه، اطراف مایوان، زرنه امانلی، لوجلی و امان‌آباد. مسلم است این مناطق فقط با توجه به تمایل عشایر مشخص شده‌اند و بسیار احتمال می‌رود که این مناطق در مطالعات ژرف‌نگر نتوانند مورد تأیید واقع شوند.

مهم ترین شروط لازم برای انتخاب مکان مناسب جهت سامان دهی عشایر

۱) زمین: وجود زمین بلامعارض و ملی یکی از برتریهای هر سایت اسکان می باشد زیرا در این حالت مخارج سرسام آور خرید زمین را به همراه ندارد. باید بدانیم در مواقعی که نیازمند چندین هکتار زمین هستیم و بایستی از سوی دولت خریداری شود، زمینها ارزشی زیاد می یابند و گاهی قطعاتی یافت می شود که صاحبان آنان تمایل به فروش ندارند، در نتیجه ایجاد شهرک با مشکل مواجه می شود. نمونه مشکلاتی که برای خرید زمین کشاورزی جهت معوض روستاییان پشت سد بارزو وجود داشت.

۲) آب: دسترسی آسان به آب آشامیدنی و مورد نیاز در بخش کشاورزی که در صورت تأمین نبودن، امکان اسکان کاهش می یابد.

۳) امکانات زیربنایی: وجود زیرساختهایی همچون راه ارتباطی، آب، برق و سایر امکانات ارتباطی.

۴) شرایط اقلیمی: داشتن شرایط مطلوب آب و هوایی برای اسکان عشایر به طوری که در وهله اول منطقه بادگیر نباشد و ثانیاً در فصل زمستان بتوان دام را در آن نگهداری نمود و این مناطق عمده‌تاً در میان بند یافت می شوند.

۵) راه: سایت انتخابی باید دارای راه شوسه و سایر امکانات مشابه بوده و یا دسترسی آسان به این امکانات داشته باشد و اگر هم دسترسی ندارد، دست کم مکانی انتخاب شود که تأمین این امکانات مقصور و دارای توجیه اقتصادی باشد تا بتوان در جهت تأمین آن اقدام نمود و شرایط متفاوت دیگری از دیدگاه توپوگرافی، شیب، نوع خاک و... بایستی داشته باشد تا بتوان در آن اقدام به ایجاد مجتمع نمود. در مسایل علمی تحقیقی ما بایستی سعی کنیم تا حد امکان دیدگاهمان با نظرات مردمی که برای ایشان برنامه ریزی می کنیم یکسان باشد اما بایستی این مسأله را نیز فراموش نکنیم که مردم همیشه به دنبال منافع آنی می گردند و کمتر آینده نگری دارند و توجه به آینده از وظایف برنامه ریز می باشد. پس از تعیین نقاط مورد نظر عشایر که بیش از ۳۰ نقطه را در بر می گرفت نقاط مورد نظر مورد بررسی دقیق تر قرار گرفت. ابتدا با توجه به اهمیت مسأله زمین و استعمال از منابع طبیعی، نقاطی که دارای زمین منابع ملی بوده شناسایی شدند و در اولین قدم مکانهای پیشنهادی عشایر که فاقد زمین ملی بودند حذف گردید. در دومین قدم دو نقطه خارج از شهرستان (تنگه منگولی و زرنه امانلی) را نیز به دلیل این که اولاً فقط مورد نظر یک طایفه بودند و ثانیاً به

جهت خارج بودن از محدوده شهرستان، حذف شدند. اگر از بحث تقسیمات سیاسی شهرها بگذریم بایستی به این نکته توجه کنیم که به احتمال قریب به یقین عشایر اسفراین و بجنورد نیز نسبت به اسکان در این مناطق تمایل نشان خواهند داد. سومین گام مطالعاتی ما بررسی سایر شرایط لازم برای انتخاب سایت مناسب بود که در مجموع سه نقطه اولویت دار:

الف) دوین ب) قلعه چه ج) بیگان

به عنوان مطلوبترین نقاط برای اسکان عشایر شناخته شدند. با توجه به وجود زمینه‌های مستعد و زیرساختهای آماده مانند وجود زمین بلامعارض - منابع آبی و... سایت دوین به عنوان محلی مناسب جهت اجرای طرح سامان‌دهی عشایر انتخاب شد.

در طراحی و احداث مجتمعهای زیستی - دامپروری به دو سطح از اطلاعات نیاز است: اول اطلاعاتی که در مکان و محل استقرار مجتمع اهمیت دارند و مقدمات بنیان‌گذاری مجتمع و ابعاد آن را مشخص می‌کنند.

دوم اطلاعاتی که در طراحی مجتمع و در نهایت تهیه بافت ساخت و نقشه و سیمای مجتمع مورد نیاز هستند. در این مقاله سعی خواهد شد هر یک از عوامل یاد شده به نحوی مطلوب تشریح و توضیح داده شوند.

۱- مشخصات مجتمع زیستی - دامپروری عشایری منطقه دوین در شیروان

در واقع پس از تعیین کانون توسعه یا سامانه مناسب و پیشنهاد آن که محدوده‌ای به وسعت ۲۲۰۰ هکتار از اراضی منابع طبیعی را شامل می‌شد و به نام «سایت دوین» معروف است که در فاصله ۱۵ کیلومتری جنوب شرقی شیروان قرارداد ضرورت مطالعه جامع و تهیه ضوابط، سرانه‌ها، الگوها و گزینه‌های مختلف برای تعیین محل استقرار مجتمع در محدوده سایت و چگونگی تنظیم روابط ساکنان مجتمع با کانون‌های زیستی مجاور مطرح می‌باشد. این مرحله شامل موارد ذیل است:

الف) شرایط زمین ساخت سایت

محدوده سایت از لحاظ زمین ساخت، سنگ سبز، طرز قرارگیری و جنس لایه‌ها، گسل و شکاف در شرایط مطلوبی است و فاقد گسل و شکاف است ولی بر روی کمر بند زلزله واقع و منطقه زلزله‌هایی تا شدت ۰/۷ ریشتر را تجربه نموده است لذا الگوی مجتمع زیستی و پروار بندی پیشنهادی بایستی برخوردار از مشخصات فنی باشد و امکان مقاومت در برابر خطرات احتمالی را داشته باشد بنابراین اساس الگوی پیشنهادی براساس استانداردهای مورد قبول طراحی و پیشنهاد شده است.

ب) شرایط اقلیمی (بارندگی، درجه حرارت، زاویه تابش و جهت باد غالب)

با توجه به وضعیت اقلیمی منطقه دمای متوسط سالانه $12/30^{\circ}$ سانتی گراد میزان بارندگی حداکثر حدود ۹۷ میلی متر در بهار و حداقل $14/3$ میلی متر در تابستان است. محدوده‌ای به وسعت تقریبی ۱۰۰ هکتار از مجموع ۲۲۰۰ هکتاری پلاک دوین برای احداث مجتمع مناسب تشخیص داده شده و عملیات تهیه پلان جانمایی و نقشه مجتمع انجام شده است.

زاویه تابش: به دلیل بالا بودن سرمای منطقه مقدار تابش روزانه و متوسط ماهانه ساعات تابش نور خورشید، استقرار واحدهای مسکونی به نحوی باید باشد که حداکثر بهره را از زاویه تابش خورشید ببرند لذا واحدها عمداً با جهت « شمالی - جنوبی » طراحی شده‌اند.

جهت باد غالب: به علت مشکلات زیست محیطی ناشی از آلودگی هوای حاصل از دامداریها، رعایت جهت باد غالب به ویژه باد مطلوب برای استقرار واحدهای مسکونی و تولیدی (دامداری) مدنظر قرار گرفته است. با توجه به فقدان آمار اقلیمی به خصوص گلباد در ایستگاه « سه یک آب شیروان » بیشتر از طریق بررسیهای محلی و مطالعه نحوه استقرار واحدهای مسکونی موجود در روستاهای پیرامون سایت دوین - گنج آباد - پیرشهید و امیرآباد استفاده شده و جهت باد غالب مطلوب غربی - شرقی می‌باشد.

باد نامطلوب (سرد) « شمال شرقی - جنوب شرقی » است. لذا جهت جنوبی کمی مایل به غرب برای حداکثر بهره‌گیری از انرژی و نور خورشید و انتقال آلودگی به خارج از مجتمع زیستی است.

ج) دسترسی به منابع و تأسیسات آبی

یکی دیگر از عوامل تعیین کننده محل احداث مجتمع زیستی سهولت و دسترسی و نزدیکی به منابع و تأسیسات آبی است. محدوده مورد مطالعه براساس نتایج مطالعات « آب نگاری » از لحاظ بهره‌گیری از سفره‌های آب زیرزمینی با موانع خاصی از جمله ممنوعیت دشت، محدودیت برداشت، عدم وجود آب و غیره مواجه نیست. اولین چاه حفر شده در منطقه در عمق ۶۰ متری به آب رسیده و ۳ تا ۴/۵ اینچ آبدهی دارد.

د) دسترسی به مسیرهای عمده ارتباطی

یکی از عوامل مهمی که در تعیین محل احداث «مجتمع زیستی» مدنظر قرار گرفته، سهولت دسترسی و حداقل فاصله با مسیرهای عمده ارتباطی است. جاده اصلی که ارتباط مجتمع را با سایر

نقاط از جمله شهر شیروان برقرار می‌کند جاده « دوین - شیروان » است مجتمع زیستی در حاشیه و به موازات آن طراحی شده است.

ه) بلا معارض بودن اراضی

مجتمع زیستی عشایر با توجه به محاسبه سرانه‌های مورد نیاز براساس تعداد جمعیت آن در یک دوره ۱۰ ساله که حدود ۱۴۰ هکتار از اراضی سایت را زیر پوشش دارد.

و) پستی و بلندی (مورفولوژی) زمین

مسطح بودن اراضی، شیب نسبی، نبود عارضه، یکی دیگر از پارامترهایی است که در احداث محل «مجتمع زیستی» به لحاظ تعیین هزینه‌های زیرساختی مدنظر بوده است.

با وجود مسطح بودن بیشتر اراضی پلاک دوین، به دلیل سیل‌گیری، انتخاب محل مناسب با محدودیت مواجه است ولی اراضی شرقی محدوده پلاک فوق‌علی‌رغم ناهمواری نسبی از مزیت بالاتری درمقایسه با اراضی دامنه‌های جنوبی، شمال غربی و غربی برخوردار است که امکان تسطیح زمین به دلیل جنس خاک چندان مشکل نیست و با اقدامات نسبی ناچیز بهترین محل برای استقرار خواهد بود.

ز) سمت توسعه آینده

وجود اراضی کافی برای توسعه آینده مجتمع زیستی برای احداث مسکن و تأسیسات واحدهای دامداری و تولیدی درجنوب مکان پیشنهادی یکی دیگر از ویژگیهای آن است به ویژه که از نظر زیست‌محیطی جهت وزش باد غالب غربی- شرقی است و مواد آلوده‌کننده به وسیله باد به طرف مجتمع حمل نخواهد شد لذا از آلودگی نسبی «مجتمع زیستی» جلوگیری خواهد شد.

الگوی تیپ مسکن پیشنهادی

الگوی مسکن یکی از مهم‌ترین عوامل در طراحی «مجتمع زیست عشایری» به شمار می‌رود با توجه به شرایط زندگی عشایری و امکان تحول نسبی آن در آینده و مطالعات وضعیت مسکن عشایر اسکان یافته در روستاهای همجوار مانند امان آباد- گنج‌آباد و ... قوانین و مقررات حاکم بر چگونگی بهره‌گیری از کمکهای دولتی (وام مسکن بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و تبصره‌های خاص ساخت مسکن در قوانین بودجه سنواتی) تحول زندگی اقتصادی عشایر و شیوه معیشت آنها از دامداری داشتنی متحرک (کوچ‌نشین) به دامداری پرواربندی گوسفند به صورت نیمه‌صنعتی و صنعتی، سرانه متوسط دام قابل نگهداری خانوار در محل زندگی و دامداریهایی که در

محل مجتمع احداث خواهد شد الگوی مسکن و دامداری پیشنهادی جهت عشایر دارای ویژگیهایی به شرح زیر خواهد بود.

الف) جداگزینی محل زندگی و استراحت عشایر از محل فعالیت اقتصادی آنها در کوتاه مدت بسیار مشکل است و اگر همراه با اجبار باشد عواقب ناخوشایندی به دنبال خواهد داشت لذا تفکیک محیط مسکونی از محیط نگهداری دامها به وسیله حایلی از دیواری با ارتفاع متوسط به منظور رعایت شرایط بهداشتی و سلامت اجباری است که در بین عشایر اسکان یافته نیز اجرا شده است و سابقه دارد که این امر در طراحی محیط اسکان عشایر پیشبینی شده است.

ب) وسعت متوسط زمین مورد نیاز یک واحد مسکونی در مجتمع زیستی عشایر با توجه به متوسط رأس دام قابل نگهداری حدود ۴۵۰ مترمربع پیشبینی شده است که به فضای مسکونی و فضای دامی مطابق نقشه شماره یک و دو اختصاص یافته است.

سطح زیربنای مسکونی در پلان مسکن تیپ پیشنهادی با توجه به بعد خانوار عشایر (حدود ۶ نفر) حدود ۷۰ متر مربع با امکان افزایش در آینده است.

همچنین اصول فنی برای احداث مسکن در نقشه‌ها، برای مقابله با خطرات احتمالی زلزله پیشبینی و ارایه شده است.

ج) ابعاد قطعات (طول و عرض) و نحوه جایگزینی فضای مسکونی و دامی در محل مجتمع طوری انتخاب شده که معابر عبور دام و مسیر رفت و آمد انسان از یکدیگر جدا باشد تا باعث مشکلات زیست محیطی نشوند لذا هر قطعه زمین به دو قسمت فضای مسکونی و دامی تقسیم شده که قطعات دو طرف حاشیه معابر به یک نوع کاربری یکسان (مسکونی یا دامی) اختصاص یافته‌اند لذا به این طریق معابر عبور دام از رفت و آمد ساکنان جدا شده‌اند (نقشه ۱).

د) الگوی تیپ دامداریهای پیشنهادی این الگو: با ظرفیت ۲۵۰ رأس برای پرواربندی گوسفند (گذر از دامداری داشتنی به پرواربندی) منطبق با شرایط اقلیمی معتدل منطقه است که به صورت ۱۰۰ واحد دامداری، جداگانه در قالب یک مجموعه در سمت غرب مجتمع زیستی طراحی شده است که با اسکان واقعی عشایر بتوان زمینه تفکیک و جدایی محل نگهداری دامها را از محل زندگی فراهم آورد و تا افرادی که علاقه به حرفه تخصصی دامداری پرواربندی گوسفند به صورت صنعتی و مستقل دارند بتوانند به فعالیت خودشان به صورت مستقل ادامه دهند (نقشه ۳).

هم) در جهت طرح ایجاد واحدهای دامپروری پیشنهادی در مجتمعهای زیستی اهدافی به شرح ذیل را می‌توان برشمرد:

- ۱- پروار کردن دام مازاد عشایر: با توجه به امکان رشد بالای نژاد کردی اصیل که در اختیار عشایر است به بالاترین و مطلوب‌ترین وزن برسد و در کشتارگاه ذبح گردد.
- ۲- ایجاد تعادل نسبی بین دام و مرتع: با توجه به وضعیت نگران‌کننده و نامطلوب مراتع تعداد قابل توجهی دام را می‌توان در زمان مناسب از مراتع بیلاقی و قشلاقی خارج کرد و شرایط بهتری را برای دام داشتنی منطقه فراهم ساخت.
- ۳- تغذیه بهتر دامهای مولد و در نتیجه افزایش بازده تولید در آنها: با توجه به نتایج تحقیقات انجام شده مبنی بر این که نود درصد سودآوری یک واحد عشایری را تعداد دام متولد شده تعیین می‌کند، با خروج تعداد قابل توجهی از دامهای مازاد زمینه برای تغذیه بهتر دامهای مولد فراهم خواهد شد و چون عامل بدی تغذیه مهم‌ترین عامل کاهش دهنده تولید مثل است در سالهای آتی انتظار بازده بهتری را در سطح دامهای عشایر می‌توان انتظار داشت.
- ۴- ایجاد اشتغال مناسب در جامعه عشایری و ارتقای سطح درآمد خانوار عشایر: این طرح علاوه بر مزایای یاد شده برای اشتغال بخشی از جمعیت عشایری و به عنوان منبع درآمد اصلی این مردم زحمتکش و محروم عمل خواهد کرد.
- ۵- جلوگیری از کشتار دامهای لاغر قابل پروار: عشایر در زمان عرضه دام مازاد خود به خاطر ضعف مراتع، جمعیت زیاد دام و نداشتن بنیه مالی و نیاز به پول در این مقطع مجبورند دام خود را در هر شرایط ولو لاغر بفروشند که نگاهی به آمار و کشتار دام و متوسط لاشه آنها مؤید این نظر است. به علاوه بنا به گزارش خرید دام کشتارگاه از عشایر متوسط وزن لاشه در ماه‌های تیر، مرداد، شهریور در مقایسه با متوسط سایر ماههای سال اختلافی معنی‌دار را نشان می‌دهد که دلالت بر عدم آمادگی دام عشایر برای کشتار دارد. از سوی دیگر این متوسط لاشه مربوط به میش و بره توأم می‌باشد و رقمی جداگانه برای هر کدام در دست نیست و با توجه به بالا بودن وزن میش نسبت به بره و رغبت عشایر در تحویل به کشتارگاه متوسط وزن بره‌ها در فصل تابستان نسبت به ماههای دیگر سال به مراتب اختلاف زیادتری خواهد داشت. به طور کلی بخش اعظم دام قابل عرضه عشایر در حال حاضر ضرورت گذراندن یک دوره پروار را دارد.

- ۶- حذف واسطه از چرخه تولید گوشت: دست واسطه‌ها از روند تولید و توزیع گوشت در مناطق عشایری کانون کوتاه و منافع حاصله مستقیماً نصیب تولیدکننده واقعی خواهد شد.
- ۷- در جهت اهداف و سیاستهای طرح، انتقال دامداریهای محدوده شهرهاست. در صورت عدم اجرای طرح، بسیاری از افراد مورد نظر طرح خود رأساً در حاشیه شهرها و روستاهای منطقه اقدام به احداث سالنهای پروراندی نامناسب خواهند کرد و مشکلاتی را برای ساکنان این مناطق به وجود خواهند آورد.
- ۸- جلب مشارکت عشایر منطقه و جذب تسهیلات بانکی در امور تولیدی عشایر با امکاناتی که در مجتمع برای عشایر مورد نظر فراهم خواهد شد.
- ۹- استفاده از تجربیات ارزشمندی که عشایر در زمینه پرورش دام کسب نموده‌اند.
- ۱۰- اشتغال جانبی برای تعدادی از افراد بیرون از عشایر جهت تأمین مصالح ساختمانی و ساخت و ساز مجتمع و خدمات رسانی به آن.
- ۱۱- امکان خدمات رسانی بهتر و سریع‌تر به جمع عشایری که در مجتمع اشتغال دارند.
- ۱۲- اعمال مدیریت صحیح و واحد در کل مجتمع و خدمات رسانی بهتر و بهداشتی‌تر و پرورشی توسط ارگانهای ذیربط از جمله امور دام، دامپزشکی و امور عشایر.
- ۱۳- در جهت اهداف توسعه و سامان‌دهی به زندگی عشایر.

ویژگیهای طرح احداث مجتمع پروراندی

- ۱- موقعیت منطقه و محل اجرای طرح: نزدیک به مرکز شهرستان، برخوردار از امکانات جاده، برق و... نزدیک سایت اسکان عشایر.
- ۲- شرایط منطقه اجرای طرح: آب و هوای مناسب، مناسب بودن نژاد دام منطقه، آشنایی عشایر با پروراندی.
- ۳- اشتغال‌زایی: طرح مجتمع پروراندی در جامعه عشایری سابقه اجرایی نداشته و افراد مشمول طرح عشایری در حال حاضر فاقد تأسیسات مناسب پروراندی هستند.
- ۴- گرایش عشایر به امر پروراندی به لحاظ اشتغال آنها به امور دامداری در گذشته.
- ۵- امکان خدمات رسانی از مرکز استان و شهرستان با توجه به وسعت استان

- ۶- زمان اجرای طرح: همزمانی اجرای طرح و احداث و ساخت و ساز در سایت اسکان عشایر در جوار طرح و همزمانی آن با اجرای طرح انتقال دامداریها توسط معاونت امور دام استان.
- ۷- یکنواختی مجتمع در مقایسه با شهرکهای دامپروری و عدم مشکلات اجرایی گریبانگیر طرح انتقال دامداریها.

جمعیت و نیازهای کالبدی

یکی از پارامترهای مهم در طراحی «مجتمع زیستی» تعداد جمعیت موجود و تحول آن در یک دوره ۱۰ ساله و نیازهای مختلف آموزشی- بهداشتی- تجاری و ... در حال حاضر و آینده است [۱]. لذا با توجه به مطالعات و بررسیهای به عمل آمده در سایت دوین رقم ۱۰۰ خانوار و حداکثر ۱۲۲ خانوار در یک دوره ۱۰ ساله با توجه به رشد طبیعی جمعیت (۲٪) پیش بینی شده است بر همین اساس بخشی از زمین محدوده سایت به عنوان سمت توسعه آینده نیز در نظر گرفته شد.

سهولت دسترسی به روستاهای پیرامون

محل استقرار «مجتمع زیستی» در محدوده پلاک دوین بایستی محلی باشد که علاوه بر دسترسی سریع به جاده و مسیرهای عمده ارتباطی دارای حداقل فاصله با سایر کانونهای جمعیتی پیرامون از جمله روستاهای دوین- امیرآباد و... باشد تا به منظور بهره‌گیری از مزایای ناشی از کاهش فاصله و حداکثر دسترسی ممکن باشد. موقعیت انتخابی برای استقرار «مجتمع زیستی» در قسمت شرق پلاک بهترین حالت برای دسترسی آسان به روستاهای یاد شده از طریق جاده فرعی آسفالت دوین و همچنین جاده فاروج- شیروان و نهایت شهر شیروان را فراهم می‌آورد.

اولویت‌بندی طوایف عشایری شهرستان شیروان جهت سامان‌دهی

مجموعه طوایف عشایری شهرستان شیروان شامل ۹ طایفه با ۱۳۸۸ خانوار و ۸۰۰۰ نفر جمعیت و ۳۰۰ هزار رأس دام می‌باشد. با توجه به ویژگیهای موجود از جمله «متحرک بودن»، «عدم داشتن مسکن و بنه در روستاها»، نزدیکی محل بیلاق به محل سایت، تمایل طوایف به سکونت در سایت، سوابق بهره‌گیری از مراتع دوین به عنوان مراتع میان بند در مرحله اول طایفه روتانلو با ۹۰ خانوار در اولویت اول و طایفه باچوانلو با ۹۵ خانوار در اولویت دوم برای سامان‌دهی منطقه پیشنهاد می‌شود.

سطوح سازگاری عشایر مجتمع زیستی با روستاهای مجاور

در محدوده مورد مطالعه ۱۱ روستا قرار دارند که جمعیت آنها حدود ۸۹۳۱ نفر است. اراضی مجتمع زیستی متعلق به قلمرو مرتعی روستای دوین و پیرشهید است. نام سایت نیز از روستاهای دوین اخذ شده است. کل اراضی روستاهای بالا ۱۴۲۴۲ هکتار است که ۳۲/۲٪ آن آبی و ۶۷/۸٪ دیمی است. گندم، جو، چغندر و نباتات علوفه‌ای از محصولات عمده زراعی روستاهای محدوده هستند. مجموع دام این روستاها ۲۱۳۳۰۰ رأس گوسفند و ۲۷۴ رأس گاو و گوساله است.

سازگاری نسبی با ساکنان روستای مجاور از ضروریات است لذا شناخت ابعاد مختلف آن ضروری است که به شرح ذیل است:

(۱) زبان: تنوع زبانی یکی از ویژگیهای روستاهای بالا است ولی در ۷ روستا زبان اصلی مردم کردی، در ۶ روستا ترکی، ۳ روستا فارسی و ۳ روستا کرد و ترک است در مجموع اکثریت روستاهای فوق به زبان کردی صحبت می‌کنند. چون زبان عشایر نیز کردی است لذا امکان سازگاری نسبی وجود دارد.

(۲) ایل: وابستگی ایل و ریشه‌های طایفه‌ای مشترک یکی از عوامل سازگاری است (شاگری، ۱۳۶۲). روستاییان ریشه ایلی مشترک (ایل زعفرانلو) دارند ولی ریشه طایفه‌ای آنها مشترک نیست. جمعیت ۱۱ روستای فوق عمدتاً از طوایف قهرمانلو، باچکانلو، شادلو و سويدانلو است ولی جمعیت عشایری در اولویت اسکان از طایفه روتانلو و احیاناً با چلوانلو است که از این جهت اختلافاتی وجود دارد و ضرورت سازگاری از طریق رهبران طوایف ضروری است.

(۳) مذهب: مذهب روستائیان و عشایر شیعه است لذا از این نظر مشکلی برای عدم سازگاری وجود ندارد. عوامل یاد شده بیشتر جنبه فرهنگی دارند (سهرابی، ۱۳۶۸). عوامل دیگری که بیشتر دارای جنبه اقتصادی می‌باشند، در سازگاری نقش عمده‌ای دارند و حتی در تضعیف ریشه‌های فرهنگی مشترک و مؤثرند عبارتند از:

(الف) مراتع: اراضی مجتمع زیستی جزو قلمرو مرتعی روستاهای دوین، امیرآباد و پیرشهید است که در مجموع دارای ۱۴۰۰۰ رأس دام هستند و با توجه به دام عشایر (۱۷۰۰۰ رأس) فشار بر مراتع افزونی می‌یابد لذا ممیزی نمودن مراتع و تعیین حدود عرفی مجدد روستاها و مجتمع زیستی، گامی در جهت کاهش تنشها و برخوردها و درگیریهای آینده عشایر و روستائیان به ذیل تداخل قلمرو و مرتعی می‌باشد.

ب) نزع کشاورزان و عشایر: یکی دیگر از مسایلی است که احتمال سازگاری را کاهش می‌دهد، لذا تحول در شیوه معیشت عشایر از دامداری داشتی به پرواربندی در آینده گامی در جهت کاهش نزع کشاورزان و عشایر به دلیل جلوگیری تخریب اراضی کشاورزی توسط عشایر است. بنابراین ممیزی نمودن مراتع در محدوده سایت، اجرای طرح مرتعداری در محدوده ۲۲۰۰ هکتاری مجتمع زیستی، توسعه و سوق دادن اشتغال عشایر از دامداری داشتی سنتی به پرواربندی گوسفند و همچنین توسعه صنایع دستی اعم از قالی و قالیچه و ایجاد درآمدهای جنبی از طریق آن، راه‌للهای سازگاری و کاهش تنشها و درگیریهای احتمالی است.

سطوح مشارکت در فرآیند احداث مجتمع زیستی

الف) با توجه به وضعیت زندگی عشایر که پیوسته در حال حرکت می‌باشند امکان جذب مشارکت آنها قبل از احداث مجتمع زیستی غیر ممکن است لذا با توجه به وضعیت اقتصادی عشایر تأمین هزینه زیرساختها و طراحی اولیه مجتمع زیستی در قالب کمکهای دولتی طرح سامان‌دهی عشایر ضروری است.

ب) با توجه به درآمد سالانه پایین عشایر (۷ میلیون ریال) و هزینه‌های احداث مجتمع زیستی و تعداد عشایر قابل اسکان در مجتمع، لازم است در قالب تبصره ۳ و سایر موارد قانونی که در برنامه سوم توسعه اجتماعی- اقتصادی دولت منظور شده است لااقل ۷۵٪ هزینه احداث مسکن و کارگاههای تولیدی در دامداریها به صورت وام به عشایر پرداخت شود و اولویت با پرداخت وام جهت ساخت واحدهای دامپروری است.

مشاغل پیش‌بینی شده بعد از اسکان عشایر در مجتمع زیستی

طراحی مجتمع زیستی تا حدود زیادی به نوع مشاغلی بستگی دارد که برای ساکنان پیش‌بینی شده است. مطالعات انجام گرفته و نظرسنجیها نشان می‌دهد که جهت انتقال از حرفه دامداری صرفاً داشتی به دامداری صنعتی و پرواربندی، به دلایلی از جمله سابقه و تخصیص، پیوند با حرفه قبلی، نزدیکی به مراتع بیلاقی (کوه شاه جهان) و ته چرهای روستاهای اطراف و مواد علوفه‌ای کارخانه قند شیروان به سادگی و در کوتاه مدت وجود ندارد، بنابراین تداوم حرفه دامداری داشتی به شرط حذف قشلاق و جهت‌گیری به سمت پرواربندی گوسفند به همراه فعالیتهای ترویجی دامپروری-

کشاورزی و از طریق در اختیار گذاشتن وامهای پروار بندی گوسفند و وامهای احداث دامداری در قالب تبصره ۳ و... برای سامان بخشی عشایر باید پیش‌بینی گردد.

نتیجه

فرآیند حاکم بر طراحی مجتمعهای زیستی- دامپروری عشایری شامل مراحل شناسایی مطالعات سامانه و مطالعات تفصیلی و طراحی از حیث جوانب اقلیمی، شرایط زمین ساخت، زلزله، سیل، منابع آب، دسترسی به انرژی، جاده ارتباطی، تهیه سرانه‌ها و استانداردهای کاربری اراضی و ویژگیهای اجتماعی- اقتصادی عشایر در اولویت اسکان و سطح سازگاری آنها به کانونهای زیستی مجاور به منظور کاهش تنشهای اجتماعی است. آنچه که ممکن است علی‌رغم به کارگیری اصول و معیارهای مکان‌یابی و طراحی مجتمعهای زیستی به عنوان موانع محسوب شوند عبارتند از:

۱- نبود قوانین مدون در خصوص اسکان عشایر برای بهره‌گیری از امتیازهای قانونی، از جمله وام- معافتهای مالیاتی، خدماتی، فنی و غیره.

۲- عدم تمایل خانوارهای عشایر ثروتمند به اسکان در مجتمع زیستی به دلیل داشتن دام زیاد و بهره‌گیری از منافع مراتع قشلاقی و دارا بودن مسکن در شهرها. این گروه به دلیل این که اکثراً رهبری محلات و طوایف عشایری را به عهده دارند در بازداشتن عشایر هم‌طایفه نقشی بسزای ایفا می‌کنند لذا تلاشهای گسترده‌ای برای هماهنگی و همراه کردن توده عشایری لازم است.

۳- عادت به حرکت و سازگاری با شیوه کوچ علی‌رغم مشکلات فراوان و محرومیت‌های متعدد. کوچ نوعی سنت دیرپا و حتی تفریح علاوه بر منافع اقتصادی محسوب می‌شود لذا عشایر به سادگی حاضر به ریسک و ترک شیوه زندگی کوچروی و اسکان در محل نیستند زیرا نمی‌توانند خود را به سادگی با شرایط جدید فعالیت و زندگی سازگار کنند. لذا توجه عشایر از طریق برنامه‌های «ترویجی- مشاهده‌ای» به دلیل سطح پایین سواد و آگاهی ضروری است.

۴- تغییر و ناپایداری سیاستهای دولت: به عنوان مثال در سال ۱۳۷۶ سیاست کمک به عشایر برای احداث مسکن، سوله و اصطبل در قشلاق باعث تشویق عشایر به احداث مسکن در قشلاق شد (علی‌رغم اینکه امکان اسکان در قشلاق به دلیل گرمای زیاد در تابستان غیرممکن است) در حالی که از سال ۱۳۶۹ سیاستهای اسکان در ییلاق و میان‌بند مطرح شده است در نتیجه سرمایه‌گذاری انجام شده در مناطق قشلاقی بلا استفاده رها خواهند شد. لذا صرف بخشی از سرمایه عشایر در قشلاق و عدم اعتماد آنان به مسوولان اجرایی، نگرانی آنها را در همراهی با طرح سامان‌دهی و اسکان

افزایش داده است با تمام این تنگناها و مشکلات یاد شده اجبار شرایط اجتماعی و اقتصادی و تنگناهای محیطی توده عظیم عشایر را به اسکان اجباری واداشته است. بنابراین طرح فعلی کمکی، به سامان‌دهی به این حرکت و جلوگیری از اسکانهای بدون برنامه و نامنظم است.

پی‌نوشت‌ها

۱- هدف از احداث «مجمع زیستی» دوین شیروان تأکید بر ابعاد آموزشی- ترویج آن در شمال خراسان به عنوان راهنما و راهبری عملی برای عشایر داوطلب اسکان و نیز الگو برای برنامه‌ریزان منطقه‌ای و محلی در آینده است.

منابع و مآخذ

- ۱- امان‌الهی، اسکندر: ۱۳۶۰، کوچ نشینی در ایران، تهران، آگاه.
- ۲- امیراحمدی، بهرام: تابستان ۱۳۷۲، «جمعیت عشایر ایران» رشد، شماره ۳۴.
- ۳- پاپلی‌یزدی، محمدحسین: ۱۳۷۱، کوچ‌نشینی در شمال خراسان، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ۴- توحیدی، کلیم الله: ۱۳۶۴، حرکت تاریخی کرد به شمال خراسان، جلد دوم.
- ۵- سازمان جنگلها و مراتع کشور: مجموعه قوانین و مقررات.
- ۶- سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده، ۱۳۶۶، سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
- ۷- سهرابی، علی: «ضرورت‌ها و روش‌ها در آموزش و پرورش عشایر سیار ایران» ذخائر انقلاب، شماره ۵، ۱۳۶۸.
- ۸- شاکری، رمضانعلی: ۱۳۶۲، اثرکنامه (تاریخ جامع قوچان)، تهران، امیرکبیر.
- ۹- شاهین فر، حسین: «طوایف کرد زعفرانلو حافظ شریعت اسلام در مرزهای شرقی و غربی»، ذخائر انقلاب، شماره ۷، ۱۳۶۹.
- ۱۰- صفی‌نژاد، جواد: ۱۳۶۶، «وضع کوچ نشینی در عشایر کهگیلویه و بویراحمد»، ذخائر انقلاب، شماره ۱.
- ۱۱- صفی‌نژاد: ۱۳۶۸، عشایر مرکزی ایران، تهران، امیرکبیر، ص ۴۷.
- ۱۲- صفی‌نژاد، جواد: ۱۳۷۳، جغرافیای انسانی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۳- گزارشهای موردی از اداره کل امور عشایر خراسان، ۱۳۷۵.
- ۱۴- گزارشهای موردی از سازمان جنگلها و مراتع کشور، ۱۳۷۹.
- ۱۵- گزارشهای موردی از سازمان جهاد کشاورزی خراسان، ۱۳۸۱.
- ۱۶- گلزاری، مسعود: کرمانشاهان - کردستان، جلد اول، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۷.
- ۱۷- مردوخ کردستانی: ۱۳۳۵، تاریخ کرد و کردستان، تهران.
- ۱۸- مشیری، سیدرحیم: جغرافیای کوچ نشینی، تهران، سمت، ۱۳۷۲.
- ۱۹- میرنیا، سیدعلی: ایل‌ها و طایفه‌های عشایری کرد ایران، تهران، نسل دانش، ۱۳۶۹.
- ۲۰- نبوی، بهروز: فروردین ۱۳۷۲، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، کتابخانه.
- ۲۱- نتایج تفصیلی سرشماری اقتصادی اجتماعی عشایر کوچنده استان خراسان: ۱۳۷۷، مرکز آمار ایران.
- ۲۲- هراتی، محمود: ۱۳۸۰، «برنامه‌ریزی فضایی شهرستان شیروان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه جغرافیا دانشگاه فردوسی.